سه‌شنبه ۱۴ آذر ۱۳۹۶، ۱۶ ربیع‌الاول ۱۴۳۹، ۵ دسامبر ۲۰۱۷، سال پانزدهم، شماره ۳۹۶۹

اعتماد ۷

گزارش «اعتماد» از
شهرک سینمایی - تلویزیونی ایران (غزالی)

تجربه گردشگری فیلم در میراث علی حاتمی

۸

پاسخ رسول خادم
به اظهارنظر نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی

هنوز مردم ایران را نشناخته‌اید

۱۵

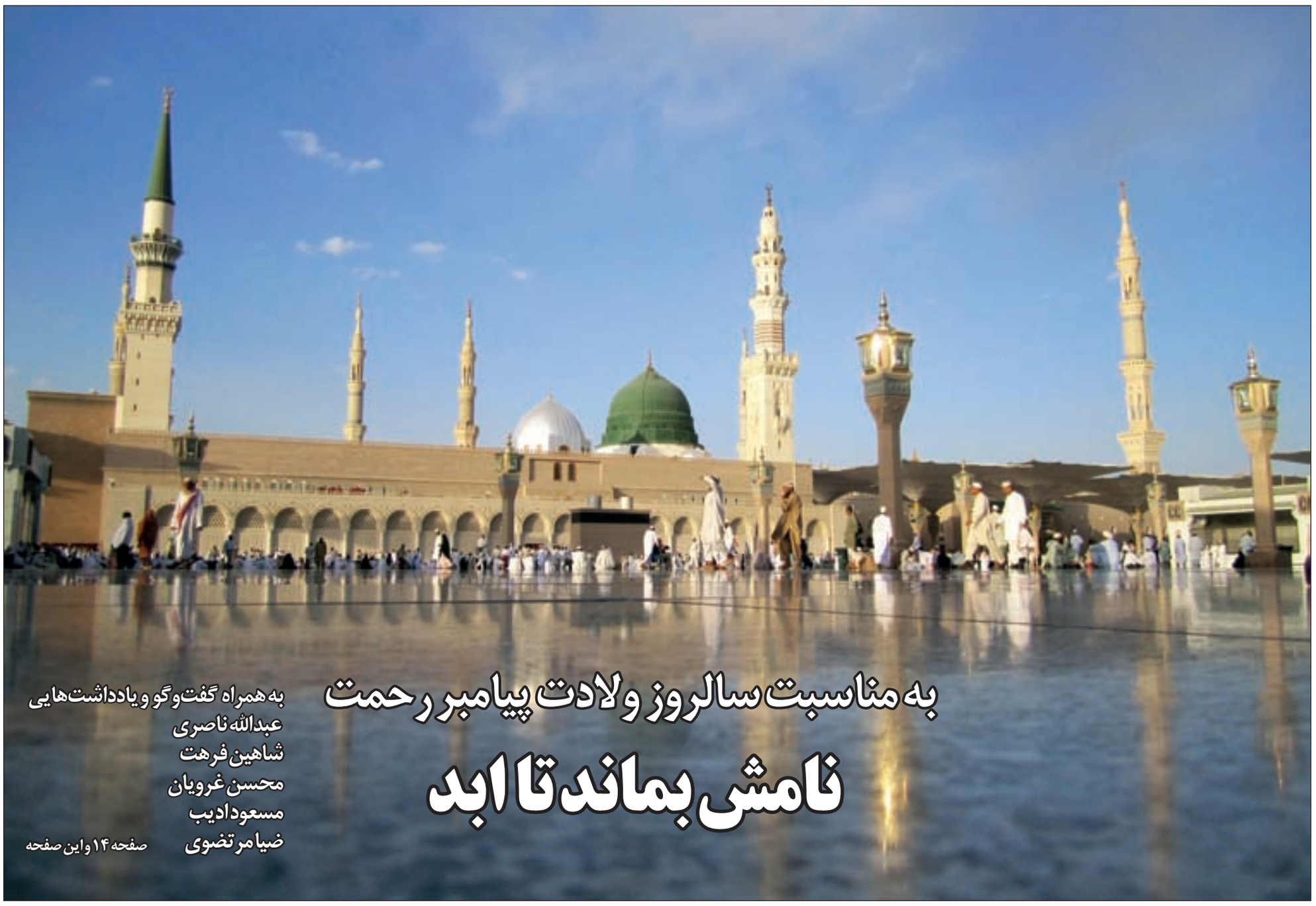

به مناسبت سالروز ولادت پیامبر رحمت

نامش بماند تا ابد

به همراه گفت‌وگو و یادداشت‌هایی
عبدالله ناصری
شاهین فرهت
محسن غرویان
مسعود ادیب
ضیا مرتضوی

صفحه ۱۴ و این صفحه

محمد(ص) پیام‌آور رحمت

ضیاءمرتضوی

پیامبر اکرم (ص) را قرآن به عنوان رحمت‌للعالمین معرفی کرده است و ایشان مظهر رحمت عام خدای تبارک و تعالی است. رحمانیت پیامبر اکرم (ص) دارای ابعادی است. یکی از ابعاد رحمانیت پیامبر در آیه ۱۵۹ سوره آل‌عمران بیان شده: «رَحْمَةٍ مِنَ‌اللهِ لِنْتَ لَهُمْ» ای پیامبر از خاستگاه رحمتِ الهی هست که تو نرم‌خو هستی و سپس «ولو کنت فظاً غلیظ القلب» یعنی اگر انسان خشن بودی و قلبی دشوار و نفوذناپذیر داشتی، این مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند؛ به دنبال این جنبه از شخصیت پیامبر قرآن دستور می‌دهد: «فاعْفُ عَنْهُمْ» اگر کوتاهی از آنها دیدی ببخش و بالاتر اینکه «واسْتَغْفِرْ لَهُمْ وشاوِرْهُمْ فِي الأَمْرِ» یعنی نه فقط اینکه بدی‌های آنها را نادیده بگیر بلکه برای آنها درخواست بخشش کن و آنها را طرف مشورت خود قرار بده. رحمانیت خداوند که پیامبر اکرم (ص) مظهر اوست از آنجا رفتار فردی ایشان و برخورد ایشان با امت خودشان در این خاستگاه شکل می‌گیرد و به مشورت در امور ختم می‌شود. در باب رحمانیت پیامبر اکرم (ص) از بعد دیگری هم می‌توان یاد کرد. بعدی که مسوولان و کارگزاران ما نیاز دارند از آن تاسی بپذیرند در آیه ۶۱ سوره توبه آمده است. در این آیه اشاره می‌شود برخی از منافقان پیامبر را آزار و اذیت می‌کردند و می‌گفتند «هُو أُذُنٌ» و می‌گفتند هر کس، هرچیزی به پیامبر می‌گوید ایشان تایید می‌کنند با اینکه حرف‌ها متفاوت و متناقض است. قرآن این عیب‌جویی بدخواهان پیامبر را نقل می‌کند و جواب می‌دهد: «قُلْ أُذُنُ خيْرٍ لَكُمْ» پیامبر اگر گوش هست، گوش خیر هست. کسی مانند پیامبر به عنوان رهبر یک جامعه باید گوش باشد و جنبه خیریت و شنوا بودن پیامبر این بود که «يومِنُ بِاللهِ ويُومِنُ لِلْمُومِنين ورَحْمةٌ لِلذين آمَنُوا مِنْكُمْ» یعنی اعتماد به مومنین دارد؛ یکی از ابعاد شنوا بودن پیامبر این است که این کار رفعت برای مومنین است؛ شرح صدری که خداوند به پیامبر دارد روح پیامبر باید بسیار بزرگ باشد. روح پیامبر باید ظرفیت گنجایش تمام بداخلاقی‌ها و دشواری‌هایی که در جامعه وجود دارد را داشته باشد؛ او از یک طرف چون مهربان است و رحمت‌للعالمین است باید توان شنیدن همه بهانه‌جویی‌ها و سنگ‌اندازی مردم را داشته باشد و از طرفی دیگر سخنان مختلف را بشنود، چون اگر غیر از این باشد نشان می‌دهد او پیامبر رحمت نیست و چون می‌دانیم که پیامبر رحمت است در رفتار و کردار ایشان ابعاد مختلف رحمانیت پیامبر جلوه کرده است. تاریخ صدر اسلام نشان می‌دهد پیامبر اسلام (ص) دل فراخ و گوش شنوایی داشته‌اند؛ همانطور که در قرآن کریم آمده است: «عزيزٌ عليه ما عنِتُّم» او هرآنچه شما را به دشواری بیندازد برای پیامبر سخت و ناگوار است و «حريصٌ عليكُم بالمُومنين رووفٌ رحيمٌ» برای پیامبر خیلی دشوار بود اگر می‌دید فردی یا جمعی یا گروهی به سختی می‌افتند و خیلی نسبت به مردم توجه داشت و نسبت به مسلمانان از هر نژاد مهربان بود. رحمت پیامبر تنها برای مسلمانان نبود بلکه برای همه انسان‌ها به ویژه کسانی که به ایشان ایمان می‌آوردند، بود.

استاد حوزه علمیه و پژوهشگر مسائل دینی

شریعت سمحه و سهله

محسن غرویان

پیامبر اسلام اگر رحمانیت نداشت کسی به عنوان پیرو پشت سر ایشان حرکت نمی‌کرد. دین اسلام، دین تساهل و تسامح است. پیامبر در ایام تبلیغ دین اسلام سختگیری نداشت و برای ایشان کافی بود تا کسی حقانیت وحی و وحدانیت خداوند را بپذیرد؛ منش پیامبر به گونه‌ای نبود که فرد برای مسلمان شدن مشقت به جان بخرد و به حرج بیفتد. به همین خاطر گفته می‌شود، به تعبیر رسول خدا(ص) اسلام شریعت سمحه و سهله است. این تسامح اما معنای عمیق‌تری هم دارد. معنای دوم این تعبیر آن است که در اسلام تکالیف دست‌و پاگیر وجود ندارد و کسی که اسلام می‌آورد برای انجام تکالیف دینی‌اش به مضیقه نمی‌افتد. این معنای رحمانیت اسلام است. اگر امروز ما خود را جزو پیروان پیامبر اسلام می‌دانیم باید سختگیری‌ها را کنار بگذاریم و با جامعه تساهل و تسامح داشته باشیم؛ جزم‌اندیشی و سختگیری شدید از تفکر و سنت پیامبر اسلام قابل استنتاج نیست. رحمانیت، تساهل و تسامح سنت پیامبر(ص) بوده است و این سنت در جهان امروز بهترین و کارآمدترین ابزار تبلیغاتی برای نشان دادن حقانیت اسلام است. دینداری باید آسان باشد تا برای مردم جذاب باشد و آدمی دل و قلب خودش را همراه دین کند. ما نیز باید ابعاد تشویقی و رحمانی دین را به جامعه معرفی کنیم. همان‌طور که امروزه در روانشناسی ثابت شده است پیام‌های تشویقی تاثیر عمیق‌تری نسبت به روش‌های تنبیهی و خشن دارند. خشونت، جمود و تعصب افراطی زمینه خلق داعش را فراهم می‌کند. داعش در بستری خشن و به دور از تساهل رشد می‌کند. تعصبات و خشونتی که فطرت نوجوانانی که جذب این جریان انحرافی می‌شدند را تغییر می‌دهد و رحمت و عطوفت آنها را از بین می‌برد. داعش با پرچم «لا اله الا الله محمد رسول‌الله» کودکان بی‌گناه و مخالفان خود را به قتل می‌رساند و به دلیل درک نادرستی که از اسلام دارد تصور می‌کند بعد از مرگ یا کشته شدن در این راه، با پیامبر اسلام(ص) در بهشت هم سفره خواهند شد. اما در حقیقت آنها فریب خورده و قربانی پیروی از تفکری خشن هستند که در جهان به نام اسلام دست به قتل و تجاوز می‌زند؛ اما حقیقت آن است که اسلام همان رحمانیت و تساهل پیامبر است. اسلام دین خشونت نیست اسلام از کلمه «سلم» است و سلم یعنی آرامش، صلح و صفا. بنابراین داعش نتیجه تفکر خشن و افراطی از اسلام است در حالی که پیامبر، پیام‌آور رحمت بوده و بسیاری حوادث دوران حیات پیامبر این حقیقت را برای هر مسلمانی روشن می‌کند که ایشان موافق سختگیری نبوده و در یک کلام پیامبر پیام‌آور رحمت بوده‌اند. این سیره و سنت پیامبر بوده است تا جایی که وقتی در مکه افرادی به اسارت گرفته می‌شوند، پیامبر دستور می‌دهد بسیاری از آنها آزاد شوند؛ ایشان در این حادثه می‌گویند: «شما آزاد هستید.» پیامبر می‌گفت حرف من را گوش بدهید و به منطق من توجه داشته باشید؛ با منطق و عقلانیت پیامبر توانست جذابیت دین خودش را نشان و گروه زیادی از مردم آن زمان را جذب کند. ما هم باید از روش اخلاق، عاطفه، محبت و روابط حسنه با مردم استفاده و آنها را به دین دعوت کنیم.

استاد حوزه علمیه و عضو هیات علمی

گفت‌وگو

نیوشا مزیدآبادی

شاهین فرهت، آهنگساز و مدرس دانشگاه سمفونی‌ای را با عنوان سمفونی پیامبر اعظم(ص) در سال ۱۳۸۵ به مناسبت نامگذاری آن سال به نام حضرت محمد(ص) ساخت که توسط ارکستر اوکراین اجرا و ضبط شد. این سمفونی چند سال بعد به وسیله ارکستر سمفونیک تهران به رهبری نادر مشایخی اجرا شد؛ هر چند فرهت از اجرای سمفونی‌اش توسط ارکستر سمفونیک تهران به اندازه اجرا با ارکستر اوکراین راضی نبود اما به هر حال فتح بابی شد تا این اثر روی صحنه‌های موسیقی سرزمین‌مان نیز دیده و شنیده شود. ضمن آنکه در موومان سوم آن نیز شعری از ساعد باقری در مدح حضرت رسول(ص) استفاده شده که می‌توان گفت این موومان را به نسبت آن دیگری‌ها به هویت کلی اثر نزدیک‌تر کرده است. در گپ کوتاه پیش‌رو درباره انگیزه ساخت سمفونی پیامبر اعظم و نیز عناصر موسیقایی که در بیان زندگی و شخصیت والای حضرت محمد(ص) به کار رفته است از آهنگساز آن پرسش کرده‌ایم.

شاهین فرهت از ساخت سمفونی پیامبر اعظم می‌گوید

روایت‌گری محمد(ص) با تم شرقی

انگیزه‌تان برای ساخت سمفونی پیامبر اعظم چه بود و این اثر را به سفارش چه نهاد یا سازمانی ساختید؟

اگر به خاطر داشته باشید چند سال پیش، سال «پیامبر اعظم» نامگذاری شده بود. در آن دوران از طرف سازمان صدا و سیما به من سفارش ساخت سمفونی‌ای برای حضرت محمد(ص) داده شد. این پیشنهاد برای من بسیار خوشحال‌کننده بود چرا که می‌دانستم تا به حال اثری با عنوان پیامبر اسلام آن هم در حد و اندازه یک سمفونی ساخته نشده است اما از طرف دیگر همین مساله کار را برایم دشوار می‌کرد چرا که همیشه حضور نام‌های بزرگ باعث می‌شود با وسواس و حساسیت بیشتری کار کنم. درباره این سمفونی هم در واقع کمی دلواپس و البته از طرفی هم خوشحال بودم که سفارشی به این بزرگی گرفته‌ام.

امکان دارد کمی بیشتر این موضوع را شرح دهید؟ منظورتان از سفارش بزرگ، سفارش بزرگ هنری است یا مالی؟

من به هیچ عنوان در مورد موسیقی و کار خودم از منظر مالی صحبت نمی‌کنم. من فقط به هنر و خصوصا هنر موسیقی توجه دارم و تمام تلاشم را می‌کنم تا کاری که انجام می‌دهم هم از نظر هنری و هم از نظر بیان موسیقایی از سایر آثار من عقب و دور نباشد. به هر حال همان‌طور که می‌دانید من یک آهنگساز حرفه‌ای هستم و بیش از ۴۰ سال است که این کار را انجام می‌دهم و نمی‌خواهم به هر دلیلی کار من نسبت به استانداردهای خودم عقب باشد. به هر حال مدتی روی تم اصلی اثر فکر کردم و به روال معمول ساخت آثارم سعی کردم مدت زمانی تامل کنم تا بخش‌های اصلی این سمفونی مشخص شود. خوشبختانه تم و ایده ثابتی که برای ساخت سمفونی پیامبر اعظم در نظر گرفته بودم، به درستی به ذهنم رسید و آن را یادداشت و کار را شروع کردم. خوشحالم که کار خیلی خوب پیش رفت و اجرای بسیار خوبی در اوکراین داشتیم و توانستیم این سمفونی را در دو نسخه ضبط و منتشر کنیم. همان‌طور که اشاره کردم تا پیش از این اثر بزرگی به صورت سمفونی برای حضرت محمد(ص) ساخته نشده بود و تنها یک موسیقی فیلم برای این شخصیت بزرگوار و گرانقدر ساخته شده بود که به فیلم محمد رسول‌الله(ص) مربوط می‌شد و برای یک فیلم، موسیقی خوب و گیرایی بود.

اثر موریس ژار (آهنگساز) برای فیلم محمد رسول‌الله(ص) یک تم اصلی داشت که این تم به فضای زادگاه پیامبر اسلام بسیار نزدیک بود خصوصا سازبندی ارکستر و ریتم‌های مورد استفاده در موسیقی این فیلم که برگرفته از موسیقی جهان عرب بود. اما سوال اینجاست که شما بر چه اساسی تم اصلی سمفونی پیامبر اعظم(ص) را انتخاب کردید و مشخصا از چه المان‌هایی بهره گرفتید تا این سمفونی از یک سمفونی با عنوانی دیگر متمایز باشد؟

این موسیقی حالت شرقی و گیرایی دارد و ایده و تم فیکسی در طول موومان‌های مختلف آن به گوش شنونده می‌رسد که اگر به پارتیتور آن مراجعه کنید، متوجه خواهید شد که تم اصلی‌اش بسیار مشخص است و در بخش‌های مختلف به صور مختلف اجرا می‌شود. ضمن اینکه این تم در عین حال که تم سنگینی است، این قابلیت را دارد که در ذهن‌ها بماند. این سمفونی ۴ موومان دارد و فقط موومان سوم آن باکلام است. موومان چهارم این اثر نیز در اصل یک فوگ است که بیانگر پیروزی حضرت محمد(ص) در ابلاغ احکام و ایده‌های انسانی ایشان برای مردم است. تم اصلی این سمفونی حضرت محمد(ص) است و در شروع اثر درباره شخصیت ایشان صحبت می‌شود. این سمفونی قرار نیست شرح حال مو به موی زندگی پیامبر اسلام(ص) باشد بلکه بزرگداشتی است برای نام این حضرت و نیز سالی که به عنوان ایشان اختصاص داده بودند و در ثانی به ابعاد مختلف شخصیت ایشان مانند انسانیت، عرفان، اخلاق و درام زندگی خود حضرت می‌پردازد.

بیان این مفاهیم به وسیله موسیقی کار بسیار دشواری است. خصوصا آنکه در دوران معاصر پیامبر اسلام جنگ‌های بسیاری اتفاق افتاد و ایشان علاوه بر پیام‌آوری برای صلح و دوستی در برخی از این جنگ‌ها حضور داشتند. این ویژگی را چطور در اثر تان به بیان موسیقی درآوردید و آیا از ساز دیگری غیر از سازهای ارکستر سمفونیک در ساخت سمفونی پیامبر اعظم بهره گرفته‌اید؟

ارکستری که من استفاده کردم کاملا یک ارکستر بزرگ سمفونیک است و تمام سازهای معمول سمفونیک در آن استفاده شده و از سازهای غیرمعمول خبری نیست. من هیچ‌وقت از سازهای غیرمعمول در ارکستر سمفونیک استفاده نمی‌کنم و در این اثر هم از ترکیبی از سازهای بادی چوبی، بادی برنجی، کوبه‌ای و سازهای زهی بهره برده‌ام. علاوه بر این در بخش‌هایی از سازهای «کرانگله»، «ابوا آلتو» و «کلارینت» باس هم استفاده شده است. این موسیقی حالت شرقی دارد و به نوعی می‌توان گفت نمایانگر موسیقی خود من است.

سرمقاله

آخرین معجزه آخرین پیامبر

عظیم محمودآبادی

رضا اصلان، نویسنده کتاب «غیور» - که در مورد زندگی حضرت عیسی(ع) است- در مقدمه خود نوشته همین که ما امروز در مورد شخصیتی حرف می‌زنیم، کتاب می‌نویسیم، پژوهش می‌کنیم و... که ۲ هزار سال از حیاتش می‌گذرد نشان‌دهنده استثنایی بودن آن شخصیت و بزرگ‌ترین معجزه او است.

سخن اصلان البته در مورد پیامبر اسلام نیز صادق است اما بی‌شک این بزرگ‌ترین معجزه ایشان برای دوران ما محسوب نمی‌شود. درست است که آوازه پیامبر امروز چندین هزار برابر صدر اسلام در جهان پیچیده است اما از این بزرگ‌تر تصدیق سخنی است که با وجود گذشت ۱۴ قرن هنوز نتوانسته نقض شود.

آری پیامبر اسلام گفت «بعد از من پیامبر دیگری نخواهد آمد و من آخرین پیامبر هستم.» و این نه تنها آخرین معجزه بلکه بزرگ‌ترین معجزه او- بعد از قرآن- برای ما است. کم نبودند کسانی که ادعای پیامبری کردند اما راه به جایی نبردند و کوچک‌ترین بخت و اقبالی در قیاس با انبیای راستینی مانند ابراهیم، موسی، عیسی و محمد (علیهم صلوات‌الله) نیافتند و هیچ کدام نتوانستند پایه‌گذار دینی باشند که بتوان آنها را قابل مقایسه با ادیانی چون یهودیت، مسیحیت و اسلام دانست. بنابراین چه معجزه‌ای از این بزرگ‌تر که پیامبر اسلام قرن‌ها قبل از متفکران و فلاسفه امروزی پیش‌بینی کرده بود که خاک تاریخ دیگر پیامبرخیز نیست و بعد از رحلت محمد (ص) به قول طه حسین، ندای آسمانی برای همیشه منقطع شد.

نکته دیگری که در مورد پیامبر اسلام مطرح است بشری بودن و این جهانی بودن دین او است. به طوری که در آموزه‌های ایشان ضمن اهتمام جدی به معاد و آخرت اما در عین حال ابعاد و وجوه مختلف بشری مورد بی‌توجهی یا انکار قرار نگرفته‌اند. چنانچه در شریعت اسلام نه ازدواج نهی و نه طلاق حرام شده است. شخص پیامبر که به تعبیر مولانا «عالم مست گفتش آمدی»، ازدواج کرد و ابایی نداشت از اینکه با همسر خود بنشیند و سخن بگوید. از قضا همین ویژگی او است که مورد توجه فیلسوف بزرگی چون ایمانوئل کانت قرار گرفت و در مورد ایشان گفته بود محمد پیامبری است که به دنیا «Welcome» می‌گوید. چنانچه کارن آرمسترانگ، نویسنده و پژوهشگر انگلیسی عنوانی که برای کتاب خود - زندگینامه پیامبر اسلام- انتخاب کرده «محمد؛ پیامبری برای زمانه ما» است.

بشری بودن دین اسلام و تاکید قرآن بر اینکه محمد (ص)، بشری مانند ما است و تنها وجه تمایزش در این است که به او وحی می‌شود، البته در توسعه و دوام اعجاز گونه دین او نقش به غایت قابل توجهی داشته است. چنانچه دینی که آورد نه فقط در سرزمین حجاز بلکه با درنوردیدن مرزها توانست به تمدن بشری بیفزاید. تمدنی که در آن متفکران و بزرگانی مانند ابن سینا، ابن رشد، ابن عربی، ابن مسکویه، غزالی، عطار، مولانا، سعدی، حافظ، ملاصدرا و... پرورش یافتند.

اینکه بعضا گفته می‌شود اسلام با قدرت شمشیر توانست مرزهای خود را گسترش دهد و فرهنگ خود را به جوامع دیگر از این طریق صادر کند از این نظر سخنی نادرست و گزاف است که اقوام دیگری هم بوده‌اند که با شمشیر به ملت‌هایی حمله کرده‌اند اما جز ننگی از خود به جای نگذاشته‌اند. مگر به همین ایران ما مغول‌ها حمله نکردند؟ کجا توانسته‌اند فرهنگی از خود در میان ما به جای بگذارند؟ کدام متفکر یا شاعری را می‌شناسیم که به نیکی از چنگیز یاد کرده باشد و اکنون در حافظه جمعی ملت ما جایی داشته باشد؟

البته در اسلام شمشیر هم بوده است و مگر می‌توانست نباشد؟ در جهانی که اگر حمله نمی‌کردی یقینا مورد هجوم قرار می‌گرفتی چه جای تحلیل‌هایی است که بر اساس قواعد امروزی جهان، محترم و معتبر است؟ ساده‌لوحانه است تحلیل کسانی که بر اساس «Nation - state» (دولت- ملت) به قضاوت چهارده قرن پیش می‌نشینند. اما شمشیر، همه‌چیز اسلام نبوده است که اگر بود نمی‌توانست در خاک آن «گلستان»ها، «بوستان»ها و «مثنوی»ها یی بروید که دماغ جهانیان را از عطر خود پر کرده باشد. عطری که پیش و بیش از هر چیز در شامه گویندگان و سرایندگان، حکیمان و فرزانگانی نشسته بود که پیش از این به نام برخی از آنها اشاره شد. این عطر آنقدر مشام آنان را پر کرده بود که گاهی عمری را در شیفتگی محض نسبت به او سپری کردند.

چنانچه در احوالات مولانا جلال الدین رومی نوشته‌اند که هرگاه صدای مؤذن را می‌شنید که شهادت دوم را بر زبان می‌آورد و بانگ اشهد ان محمدا رسول‌الله سر می‌دهد، دست خود را بر روی زانویش می‌گرفت، بلند می‌شد و می‌گفت: «نامت بماند تا ابد ای چشم ما روشن به تو.»